

بررسی روند فقر در مناطق روستایی ایران

سمیرا بهرامیان^۱ و آیت اله کرمی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۳

چکیده

با توجه به اهمیت کاهش فقر در توسعه پایدار یک کشور و افزایش سطح رفاه اجتماعی جامعه و از سوی دیگر، اهمیت آن در تعیین افراد دارای شرایط استفاده از خدمات و برنامه‌های رفاهی، ضروری است که این پدیده مورد پژوهش علمی قرار گیرد. هدف از نگارش این مقاله اندازه‌گیری خط فقر در مناطق روستایی ایران در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲ می‌باشد. بدین منظور با استفاده از داده‌های مربوط به طرح هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران، ابتدا با تخمین ماتریس عملکرد تغذیه‌ای، مقدار انرژی دریافتی در دهک‌های گوناگون برآورد شده و سپس خط فقر مطلق مناطق روستایی کشور بر مبنای معیار ۲۳۰۰ کالری محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهند که در ۱۷ سال مورد بررسی خط فقر در مناطق روستایی کشور از روندی افزایشی برخوردار بوده است به گونه‌ای که در مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۷۶ خط فقر به ازای هر نفر در ماه، مقدار ۷۱/۸ هزار ریال و در سال ۱۳۹۲ مقدار ۲۴۲/۲ هزار ریال برآورد شده یعنی خط فقر تقریباً ۳۳/۷ برابر شده است. لذا توصیه می‌شود برای کاهش فقر غذایی، رفتار مصرف‌کننده بسیار دارای اهمیت است. بنابراین، ترویج و گسترش الگوهای تغذیه‌ای مناسب در خانوارهای روستایی از راه ایجاد مراکزی برای آموزش صحیح تغذیه‌ای باید مد نظر قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: خط فقر، خانوار روستایی، ماتریس عملکرد تغذیه‌ای.

طبقه‌بندی JEL: C23, R11, O15

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، گروه مدیریت توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه یاسوج.

^۲ - دانشیار اقتصاد کشاورزی گروه مدیریت توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه یاسوج.

*- نویسنده مسئول مقاله: aiatkarami@yahoo.com

پیشگفتار

پدیده فقر، مشکلات اجتماعی و اقتصادی را در ابعاد گوناگون برای جوامع انسانی به بار می‌آورد. این پدیده از توسعه‌نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی می‌شود و ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت جسمی و روحی ملت‌ها را تهدید می‌کند. فقر موجب افزایش مرگ و میر، کاهش میانگین طول عمر، کاهش کارایی و بهره‌وری نیروی انسانی می‌شود (نصرت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰). مقایسه دوره‌ای حجم و شدت فقر می‌تواند نشانه‌ای مستقیم از پیشرفت اقتصادی در افزایش استاندارد زندگی تهی‌دستان باشد. تغییرات متغیرهای کلان اقتصادی از جمله سیاست‌های مالی بر زندگی تهی‌دستان اثر می‌گذارد (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱). پژوهشگرانی مانند اموانو و همکارانش (۱۹۹۹) شرط لازم برای رشد یک جامعه را در مبارزه با فقر می‌دانستند. در این راستا، بررسی و آگاهی از وضعیت فقر در یک جامعه، اولین قدم در مسیر برنامه‌ریزی برای مبارزه با آن است (میرزایی و سهرابی، ۱۳۹۴).

مسئله فقر به ویژه فقر روستایی از جمله موضوع‌هایی است که طی دو دهه اخیر به عنوان مهم‌ترین معضل جامعه بشری، هم در جوامع توسعه‌یافته و هم در حال توسعه توجه فراوانی به آن شده است (توکلی‌تبار و همکاران، ۱۳۹۳). از نظر امنیت غذایی، بر اساس آمار فائو در سال ۲۰۱۴، ۸۰۵ میلیون نفر یا بر اساس آمار سازمان ملل متحد ۲۰۱۳، ۸۷۰ میلیون نفر، هر روز گرسنه‌اند. برآورد شده است که ۱/۲ میلیون از افرادی که روزانه با ۱/۲۵ دلار یا کم‌تر زندگی می‌کنند، زندگی‌شان منتهی به مناطق روستایی می‌شود که ۷۵٪ از افراد با فقر شدید جهانی می‌باشند. بنابراین، می‌توان گفت که این مسأله، یک پدیده روستایی است (رودریگز پس و هاردی^۱، ۲۰۱۵). تا پیش از سال ۸۴ آمار فقیران در ایران زیر ۳۰ درصد بود، اما از سال ۸۴ به بعد، این آمار رو به افزایش رفته است تا جایی که هم‌اینک باید گفت تعداد فقیران در جمعیت ایران به بیش از ۴۰ درصد رسیده است و در صورتی که دولت برنامه‌ای برای این مسئله نداشته باشد، این آمار بیش‌تر از این خواهد شد (راغفر، ۱۳۹۴). کاهش فقر یکی از مباحث مهم در متون توسعه می‌باشد. با این حال، برنامه‌های مبارزه با فقر همان اندازه که به کارایی سیاست‌گذاری و شیوه اجرای برنامه نیاز دارد، به شناخت ابعاد گوناگون پدیده فقر و دلایل و پیامدهایش نیز نیاز دارد. به این ترتیب بررسی و آگاهی از وضعیت فقر در یک جامعه نخستین گام در راه برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین عوامل رسیدن به عدالت اجتماعی، برنامه‌های کاهش فقر است. کاهش فقر همواره هدف اساسی سیاست‌های عمومی

¹ - Rodriguez-pose and Hardy

و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی بوده و نخستین هدف از اهداف توسعه هزاره^۱ است. این موضوع یک عنصر محوری در بحث و گفتگوی دستور کار توسعه پسا ۲۰۱۵^۲ بوده و بسیاری از کشورها سیاست‌های اجتماعی خود را بر محور کاهش فقر قرار داده‌اند. در این راستا موضوع اندازه‌گیری و تغییرات فقر در طول زمان برای دولت‌های محلی و سازمان‌های جهانی اهمیت می‌یابد (راغفر و اسفندیارپور، ۱۳۹۴). در کشور ما نیز فراهم کردن شرایط مناسب برای زندگی تمام اقشار جامعه و وظیفه اصلی کارگزاران و مسئولین اقتصادی کشور است. انقلاب اسلامی ایران کاهش و در نهایت، ریشه‌کنی فقر را به عنوان یک هدف بنیادین مورد توجه قرار داده است به گونه‌ای که در اصول ۳، ۲۱، ۲۹، ۳۱، ۴۳ قانون اساسی به مسأله فقرزدایی و تأمین رفاه اقشار محروم، به صراحت اشاره شده است (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶). هم‌چنین، برای مبارزه با فقر در قالب برنامه‌های توسعه و طرح ساماندهی اقتصادی تاکنون تلاش‌هایی انجام شده است، اما آثار آن در کاهش فقر در جامعه چندان مشخص نیست. یکی از اقدام‌های دولت، تأسیس وزارتخانه رفاه و تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۳ و طرح ساماندهی اقتصادی است و هدف آن مقابله با فقر و نابرابری در جوامع شهری و روستایی کشور می‌باشد، ولی عملکرد آن چندان چشمگیر نمی‌باشد (مولایی و رحیمی‌راد، ۱۳۹۵). مطالعات مربوط به فقر، توجه طیفی گسترده از پژوهشگران در حوزه اقتصاد، جامعه‌شناسی، تغذیه، برنامه‌ریزی شهری و روستایی را به خود جلب نموده و مطالعاتی بسیار متنوع در این زمینه ارائه شده است. در همین راستا، در کشور ما نیز در خصوص فقر و اندازه‌گیری آن و تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر آن، مطالعات گوناگونی صورت گرفته است. از آغاز دهه ۱۳۷۰ مطالعات مربوط به شناخت و تحلیل فقر روستایی به تدریج رونق گرفت.

در مطالعه باقری و همکاران (۱۳۸۳) خط فقر برای سال‌های ۸۲-۱۳۸۰ محاسبه شد، نتایج نشان دادند در سال ۱۳۸۲، ۱۲ درصد خانوارهای شهری و ۱۰ درصد خانوارهای روستایی زیر خط فقر زندگی می‌کردند و در سال‌های مورد مطالعه درصد جمعیت زیر خط فقر در مناطق شهری افزایش یافته و از ۱۱ به ۱۲ درصد رسیده در حالی که در مناطق روستایی این درصد کاهش یافته و از ۱۱/۵ درصد به ۱۰ درصد رسیده است. در مطالعه دیگری ابونوری و مالکی (۱۳۸۷) به بررسی خط فقر در استان سمنان در برنامه‌های توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸) پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که خط فقر در سه برنامه توسعه در مناطق شهری و روستایی روندی افزایشی داشته است. افقه و قنوتی‌فر (۱۳۹۰) به بررسی روند خط فقر در دوره ده ساله (۱۳۷۶-۱۳۸۵) استان خوزستان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان دادند که در دوره زمانی یاد شده خط فقر مطلق

^۱ - MDGs

^۲ - Post-2015 Development Agenda

مناطق شهری و روستایی استان خوزستان از روندی افزایشی برخوردار بوده و این افزایش در مناطق شهری بیش‌تر از مناطق روستایی است. نصرت‌آبادی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی وضعیت فقر در استان کرمان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۸ دریافتند شاخص‌های فقر به طور کلی هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی نزولی بوده است.

راغفر و اسفندیارپور (۱۳۹۴)، با اندازه‌گیری فقر چندبعدی در ایران در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۸ دریافتند که به‌طور میانگین در کل کشور و در مناطق جغرافیایی گوناگون و نیز در میان گروه‌های گوناگون بر حسب ویژگی‌های خانوار، شاخص‌های فقر در طول دوره مورد بررسی تا سال ۱۳۹۱ روندی کاهشی داشته‌اند و پس از آن در سال ۱۳۹۲ زیاد شده‌اند. فطرس و شهبازی (۱۳۹۴) وضعیت فقر و نابرابری را در مناطق شهری و روستایی ایران در سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۱) بررسی کردند. نتایج محاسبات نشان داد که فقر و نابرابری درآمدی همواره در مناطق روستایی بیش‌تر از مناطق شهری است. در سال‌های (۱۳۸۸-۱۳۸۱) مقدار فقر و نابرابری درآمدی در ایران بالا و با نوسان‌هایی همراه بوده است. در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ فقر و نابرابری درآمدی همچنان بالاست، اما نسبت به سال ۱۳۸۹ در هر دو منطقه شهری و روستایی اندکی کاهش را نشان می‌دهد. پیش‌بهار و همکاران (۱۳۹۵)، در بررسی خط فقر خانوارهای شهری در ایران در دوره ۱۳۹۱-۱۳۶۷، دریافتند که خط فقر تغذیه‌ای (ماهانه) در دوره یاد شده روندی افزایشی داشته است به گونه‌ای که از ۷۴۸۵۱ ریال در سال ۱۳۶۷ به ۶۸۸۲۳۴۶ ریال در سال ۱۳۹۱ رسیده است، اما با نرخ رشد یکنواختی همراه نبوده است.

نتایج پژوهش مولایی و رحیمی‌راد (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی وضعیت فقر در خانوارهای روستایی ایران در پنج برنامه توسعه اقتصادی ایران: ۱۳۹۲-۱۳۶۸» حاکی از آن است که طی سال‌های مورد مطالعه، گرچه خط فقر در خانوارهای روستایی ایران دارای میانگین رشد ۲۱/۳ درصد بوده است، ولی مقدار و اندازه فقر در روستاها روند نزولی داشته است و شکاف فقر و شدت آن کاهش یافته است.

فطرس و شهبازی (۱۳۹۵)، با بررسی روند فقر و نابرابری در مناطق روستایی ایران به این نتیجه رسیدند که در دوره ۱۳۹۳-۱۳۶۳، در طول برنامه توسعه پنج ساله نخست (۱۳۶۸-۱۳۷۲) بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار افراد فقیر به ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ است. کاهش فقر در مناطق روستایی ایران در پایان برنامه نخست، دوم و سوم توسعه مشاهده شد. در برنامه چهارم افزایش فقر و در نهایت، در برنامه پنجم در سال ۱۳۹۰ کاهش فقر و در سال‌های پس از آن فقر دوباره با نوسان‌های ملایم افزایش یافته است.

راولین و چن^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی فقر مطلق را برای صد کشور در حال توسعه در دوره (۲۰۰۴-۱۹۸۱) برآورد کردند. نتایج نشان دادند در طول سال‌های مورد بررسی، درصد فقرا به گونه‌ای معنادار کاهش یافته است. گاردس و کنلاس^۲ (۲۰۱۰) با بررسی فقر و نابرابری درآمدی در اکوادور به این نتیجه رسیدند که سال‌های (۲۰۰۹-۲۰۰۰) فقر در اکوادور کاهش یافته است. فرزندگان و حبیب‌پور^۳ (۲۰۱۷)، در مقاله خود نابرابری درآمدی و فقر در ایران را بررسی کردند و دریافتند در سال ۲۰۰۹، ۲۴ درصد خانوارها زیر خط فقر بودند و پس از دریافت سود سهام و پرداخت ۱۴ درصدی از مالیات بر درآمد، جمعیت زیر خط فقر به ۱۴/۹ درصد کاهش یافت.

همان گونه که بررسی مرور ادبیات نشان می‌دهد مسئله فقر روستایی و روند افزایشی آن نسبت به مناطق شهری واضح‌تر می‌باشد و همچنین، عمده پژوهش‌ها انجام گرفته در سطح استانی انجام شده است. در این پژوهش بررسی روند خط فقر در کل کشور در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲ مورد نظر است. بنابراین، متمایز و متفاوت از مطالعات پیشین باشد.

با توجه به اهمیت کاهش فقر در توسعه پایدار یک کشور و افزایش سطح رفاه اجتماعی جامعه و از سوی دیگر، اهمیت آن در تعیین افراد واجد شرایط استفاده از خدمات و برنامه‌های رفاهی، ضروری است که این پدیده مورد پژوهش علمی قرار گیرد. از آنجا که مطالعه فقر در سطح روستاهای کشور زمینه‌ساز روش مناسبی برای فقرزدایی جهت نیل به توسعه پایدار و برنامه‌ریزی منطقه‌ای است، بنابراین بررسی آماری فقر و تجزیه و تحلیل آن در سطح روستاها می‌تواند راهنمایی برای برنامه‌ریزان در جهت فقرزدایی باشد. هدف این مقاله بررسی خط فقر و شاخص‌های مربوط به آن در مناطق روستایی ایران می‌باشد.

مواد و روش‌ها

فقر بر حسب مکان و زمان به صورت‌های گوناگون تعریف شده و همواره در بین پژوهشگران اختلاف نظر وجود داشته است. با این وجود، بیش‌تر پژوهشگران در مورد ضرورت وجود تعریفی برای فقر اتفاق نظر دارند (خدادادکاشی و همکاران، ۱۳۸۴). در گزارش توسعه بانک جهانی (مبارزه با فقر، ۲۰۰۲-۲۰۰۱) می‌خوانیم که فقر چیزی فراتر از نبود تکافوی درآمد یا توسعه انسانی پایین است. فقر همان آسیب‌پذیری، نداشتن قدرت و ابراز عقیده می‌باشد. فقیر بودن یعنی گرسنه بودن، نداشتن سرپناه و پوشاک، بیمار بودن و درمان نشدن، بی‌سواد بودن و مدرسه نرفتن، نداشتن شغل،

^۱ - Ravallion and Chen

^۲ - Gardes and Canelas

^۳ - Farzanegan and Habibpour

هراس از آینده، از دست دادن کودک به خاطر دسترسی نداشتن به آب پاکیزه و ... که البته، همه این محرومیت‌ها آن‌چه را که از نظر سن «قابلیت‌های یک فرد بشمار می‌رود» محدود می‌کنند. فقرا در مقابل وقایع ناسازگار بیرون از اراده خود آسیب‌پذیرند و اغلب نهادهای حکومتی و جامعه با آنان بدرفتاری دارند (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶). از دیدگاه اتحادیه اروپا که به نوعی به فقر با رویکرد چندبعدی پرداخته است، فقرا شامل افراد، گروه‌ها و طبقاتی هستند که منابع در دسترس آن‌ها (فیزیکی، طبیعی، اجتماعی) آن‌چنان محدود است که آن‌ها را از دست‌یافتن به سطوح پذیرفته شده زندگی در جامعه خود باز می‌دارد (راغفر و اسفندیاری‌پور، ۱۳۹۴). سازمان ملل متحد نیز فقر یک فرد را به صورت عدم دسترسی به منابع، قابلیت‌ها، امنیت و توانایی لازم برای برخورداری از شرایط مناسب و سطوح زندگی همچون حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تعریف می‌کند (سازمان ملل متحد^۱، ۲۰۰۹). برای فقر تعاریف متعددی وجود دارد که در همه آن‌ها «نوعی محرومیت از امکانات متعارف زندگی» ملحوظ می‌باشد. با توجه به تعریف محرومیت، جنبه‌های مطلق و نسبی در شناسایی افراد فقیر مطرح می‌شود (باقری و همکاران، ۱۳۸۳).

فقر مطلق وضعیتی است که در آن خانوارها از دسترسی به کم‌ترین نیازهای اساسی مانند غذا، مسکن و لباس محروم باشند. این تعریف در اصل با توجه به نیازهای غذایی افراد، با معیار کالری مورد نیاز بیان می‌شود. بنا به تعریف، فقر مطلق عدم توانایی فرد یا خانوار در تأمین حداقل نیاز توصیه شده انرژی سرانه در روز و تأمین پوشاک، سرپناه و بهداشت و درمان مورد نیاز می‌باشد. در شرایط فقر مطلق شدید نیز افراد و خانوارها قادر به تأمین بیش از ۸۰ درصد از کالری مورد نیاز خود نمی‌باشند (صفرخانلو و محمدی نژاد، ۱۳۹۰).

فقر نسبی نیز عبارت است از ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه کنونی لازم یا مطلوب تشخیص داده شده است. در واقع، در فقر نسبی ارضای نیازهای فرد در رابطه و نسبت به دیگر افراد جامعه سنجیده می‌شود (همان). بنابراین، در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از مقدار مطلق درآمد افراد توجه می‌شود (فطرس و شهبازی، ۱۳۹۴).

آستانه‌ای که بر اساس آن خط و مرزی میان فقرا و سایر افراد جامعه ترسیم می‌کند خط فقر نامیده می‌شود (باقری و همکاران، ۱۳۸۳). خط فقر یک واقعیت خارجی ثابت نیست و با توجه به طرز تلقی و تعریف پژوهشگر از فقر و متغیرهای ارزیابی آن، می‌توان مقادیر متفاوتی برای خط فقر به دست آورد. برخی اقتصاددانان بر این باورند که فقر مقوله‌ای کیفی است و تعریف جامع و مانع مشترک در همه نقاط جهان وجود ندارد زیرا خصوصیات متفاوت اجتماعی، اقتصادی در نقاط

^۱ - United Nations

گوناگون جهان، تعاریف متفاوت را به همراه خواهد داشت. به همین دلیل، برخی از مطالعات با استفاده از تعاریف و روش‌های گوناگون اقدام به برآورد یک بازه برای خط فقر کرده‌اند. نقطه مشترک و پایه تمام تعاریف گوناگون فقر «نوعی محرومیت از یک سبد کم‌ترین نیازهای اساسی» می‌باشد. همین، منجر به اختلاف اصلی اقتصاددانان در تمایز بین خط فقر نسبی و مطلق و تعریف دقیق سبد کم‌ترین نیازهای اساسی در محاسبه خط فقر مطلق می‌شود زیرا محرومیت، خود، مفهومی نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های گوناگون کاملاً متفاوت باشد (نگهداری و همکاران، ۱۳۹۳).

از نظر مارتین راولیون در سال ۱۹۹۸، خط فقر عبارت است از مقدار مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح کمینه رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر و کسانی که به این سطح رفاه کمینه و بالاتر از آن دسترسی دارند غیرفقیر تلقی می‌شوند.

با وجود این تمایل به محاسبه خط فقر مطلق در کشورهای در حال توسعه و خط فقر نسبی در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد. امروزه در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی، فقر مطلق کاملاً حذف شده و خط فقر مطلق مفهومی کاربردی است. خط فقر مطلق در کشورهای در حال توسعه شاخصی کاربردی از ارزیابی سیاست‌های فقرزدایی است. فقر مطلق را می‌توان با سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از بین برد (راولیون^۱، ۲۰۱۲). خط فقر مطلق، مفهومی مطلق است و تحت تأثیر توزیع درآمد در جامعه نیست زیرا مفهومی مستقل نسبت به جامعه است و فقر نسبی، مفهومی نسبی است و در جوامع و دوران‌های گوناگون وجود خواهد داشت (دکلیچ و پولین^۲، ۲۰۰۳). اصولاً خط فقر نسبی بالاتر از خط فقر مطلق قرار دارد و روش محاسبه آن تقریباً ساده‌تر است و مبانی نظری قوی در این زمینه وجود ندارد. این نوع فقر در مواردی مصداق دارد که سطح زندگی فرد در مقایسه با میانگین شرایط درآمدی جامعه از وضعیت مناسبی برخوردار نباشد. این نوع تعریف از فقر، کاملاً در ارتباط با جامعه و نسبت به جامعه است. فقر نسبی به عنوان ناتوانی از احراز سطح معیشت خاصی که در جامعه فعلی، یک فرد لازم یا مطلوب خود تشخیص می‌دهد، تعریف شده است (پیرایی و شهسواری، ۱۳۸۸). بحث در مورد این دو مفهوم و این که کدام یک برای سنجش فقر موجود در جامعه مناسب‌تر است همواره مطرح بوده است. عموماً عنوان می‌شود که مفهوم فقر نسبی برای کشورهای در حال توسعه مناسب نیست زیرا در این کشورها عموماً حصول اطمینان از این که کسی در جامعه زیر کمینه سطح قابل قبول زندگی نمی‌کند مدنظر است که

^۱ - Ravallion

^۲ - Declich and Polin

همان مفهوم مطلق فقر را می‌رساند (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶). در زیر به برخی از شاخص‌ها و روش‌های اندازه‌گیری فقر اشاره شده است:

شاخص نسبت افراد فقیر (نرخ فقر) به صورت نسبت تعداد افراد فقیر (q) به کل افراد جامعه (n) تعریف می‌شود؛ یعنی: $H = q/n$. این شاخص نشان می‌دهد که چه نسبتی از افراد زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اندازه این شاخص بین صفر (حالتی که هیچ فقری در جامعه وجود نداشته باشد) و یک (حالتی که کلیه افراد در جامعه درآمدشان کمتر از درآمد متناظر با خط فقر باشد) تغییر می‌کند. اشکال عمده این شاخص، این است که افزایش یا کاهش میزان درآمد افراد فقیر و غیر فقیر جامعه تأثیری در اندازه شاخص نسبت افراد فقیر ندارد (خدادکاشی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۱). شاخص شکاف فقر به وسیله سن (۱۹۷۶) بیان شد و به صورت نسبت میانگین شکاف درآمدی افراد فقیر بر خط فقر تعریف می‌شود و برابر است با:

$$I = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \frac{(z - y_i)}{z} = \frac{q(z - \mu^*)}{n.z} \quad (1)$$

در نسبت (۱) μ^* متوسط درآمد (هزینه) افراد زیر خط فقر، q تعداد افراد زیر خط فقر، Z خط فقر و y_i درآمد i مین فرد فقیر است. نسبت (۱) بیانگر آن است که برای از بین بردن کامل فقر، میانگین درآمد اقشار فقیر جامعه، چند درصد باید افزوده شود (خدادکاشی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۱). دلیل استفاده از شاخص (۱) این است که این شاخص بر فاصله کلی فقرا نسبت به خط فقر مبتنی است که نشان‌دهنده عمق فقر است. به بیان دیگر، این شاخص میانگین شکاف فقر در جامعه است که در آن شکاف فقر برای افراد غیر فقیر صفر بشمار می‌رود. شاخص شکاف فقر، مقدار درآمد لازم برای انتقال فقرا به بالای خط فقر می‌باشد (ابونوری و مالکی، ۱۳۸۷).

شاخص (۲)، شاخص فورست، گریر و توریک می‌تواند افزون بر درصد فقرا، فاصله آن‌ها را تا خط فقر نیز اندازه‌گیری کرده و با این حال، نسبت به توزیع درآمد میان خانوارهای فقیر حساس باشد و توسط فوستر، گریر و توریک در ۱۹۸۴ ارائه شده است (حسینی‌نژاد و اقتصادیان، ۱۳۸۴). آن‌ها تجزیه‌پذیری را از ویژگی‌های مهم یک شاخص فقر مطلوب می‌دانستند، به گونه‌ای که مقدار فقر حاصل از بررسی زیر گروه‌های گوناگون جمعیت را می‌توان با هم جمع کرد و به مقدار واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت. این شاخص به صورت زیر است:

$$FGT_a = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \frac{(z - x_i)^a}{z^a} \quad (2)$$

در نسبت (۲) فقر اساساً به عنوان تابعی از نسبت شکاف فقر تلقی شده که در آن $a \geq 0$ مقدار تنفر و گریز از فقر در جامعه را نشان می‌دهد که هرچه مقدار آن بیشتر باشد به این معنی است که جامعه از فقر گریزان‌تر بوده و باید به فقیرترین افراد اهمیت بیشتر داد. اگر پارامتر a صفر باشد این شاخص به شاخص سرشمار و اگر برابر با یک باشد، این شاخص به شاخص شکاف فقر

تبدیل می‌شود. اگر این پارامتر برابر با دو باشد یعنی حساسیت بیش‌تری به عمق فقر نشان می‌دهد و به شاخص FGT تبدیل می‌شود. با وجود برخورداری این شاخص از ویژگی‌های یک شاخص فقر مطلوب، این شاخص نابرابری درآمد در میان افراد فقیر را نادیده می‌گیرد (ابونوری و مالکی، ۱۳۸۷).

در این پژوهش ابتدا ماتریس عملکرد تغذیه‌ای تخمین زده شد و سپس دو شاخص خط فقر بر اساس نیاز به کالری و شاخص نسبت افراد فقیر (نرخ فقر) محاسبه شد که به تفصیل روش کار در ادامه آمده است.

مبنای تخمین ماتریس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای روستایی کشور، داده‌های مربوط به طرح هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران می‌باشد. دوره مطالعه سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲ را در بر گرفته است. برای ارزیابی عملکرد تغذیه‌ای ابتدا خانوارها به ده دهک هزینه‌ای تقسیم شده‌اند. دهک نخست درآمدی شامل خانوارهایی است که مخارج آن‌ها در مقایسه با سایر دهک‌ها کم‌تر باشد و با انتقال به دهک‌های درآمدی بالاتر مخارج افزایش می‌یابد. سپس با استفاده از بعد خانوار مخارج کل در سطح خانوار سرانه شد. در این پژوهش مقدار مصرفی تمام اقلام خوراکی مطابق با طبقه‌بندی مرکز آمار ایران مورد توجه قرار می‌گیرد. ماتریس عملکرد تغذیه‌ای از حاصلضرب دو ماتریس بدست می‌آید. ماتریس اول شامل مقادیر مصرف اقلام خوراکی گوناگون در طول یک سال و ماتریس دوم شامل میزان کالری دریافتی از هر یک کیلوگرم ماده خوراکی می‌باشد. سطرهای ماتریس نخست را اقلام غذایی مرکز آمار ایران در طرح هزینه-درآمد خانوار تشکیل داده و ستون‌های این ماتریس از مقادیر مصرف اقلام گوناگون غذایی به وسیله یک فرد شاخص روستایی و ده دهک هزینه تشکیل شده است. همچنین، تنها سطر ماتریس دوم از یک نوع ارزش غذایی به نام انرژی تشکیل شده و ستون‌های آن نیز مقدار انرژی دریافتی از اقلام خوراکی مرکز آمار ایران در هر کیلوگرم را نشان می‌دهد از ضرب دو ماتریس بالا، ماتریس عملکرد تغذیه‌ای روستایی برآورد می‌شود. با تقسیم هر کدام از درایه‌های این ماتریس بر ۳۶۵، سرانه انرژی دریافتی از مواد گوناگون خوراکی در هر دهک در طول روز بدست می‌آید.

برای برآورد خط فقر بر اساس نیاز به کالری از روش دریافت انرژی غذایی که به وسیله راولیون و بیدانی^۱ در ۱۹۹۴ برای کشورهای ویتنام، اندونزی، فیلیپین، تایلند و چین بکار رفته، استفاده شده است. در این مرحله ابتدا لازم است با توجه به نظر متخصصین تغذیه کم‌ترین نیاز هر فرد به ارزش‌های غذایی نظیر کالری، پروتئین و دیگر ریزمغذی‌ها تعیین شود. در این پژوهش صرفاً به کم‌ترین نیاز هر فرد به کالری به مقدار ۲۳۰۰ کالری در روز اکتفا می‌شود که این رقم به وسیله

^۱ - Ravallion and Bidani

مؤسسه تغذیه محاسبه شده است. سپس با استفاده از ماتریس عملکرد تغذیه‌ای که پیش‌تر به آن اشاره شد، میزان انرژی دریافتی سرانه در هر دهک در طول روز بدست می‌آید. در مرحله بعد نخستین دهکی که مقدار انرژی دریافتی‌اش برابر یا بیش‌تر از ۲۳۰۰ کالری باشد، ثبت می‌شود. برای مثال، اگر در سال t دهک i ام نخستین دهکی باشد که کم‌ترین انرژی مورد نظر را دریافت کرده است، رقم انرژی دریافتی این دهک به صورت C_i^t مورد توجه قرار می‌گیرد. در مرحله بعد با تقسیم مخارج کل دهک i ام بر مقدار انرژی دریافتی این دهک هزینه ریالی تأمین هر واحد کالری مشخص می‌شود (افقه و قنواتی‌فر، ۱۳۹۰):

$$E_{ci}^t = \frac{E_i^t}{C_i^t} \quad (1)$$

در رابطه (۱) E_i^t مخارج کل دهک i ام، C_i^t مقدار انرژی دریافتی دهک i ام و E_{ci}^t مخارجی است که دهک i ام برای تأمین هر واحد کالری متحمل شده است. در مرحله بعد مازاد انرژی دریافتی دهک i ام نسبت به حداقل انرژی توصیه شده (۲۳۰۰ کالری) محاسبه می‌شود و عدد بدست آمده در هزینه هر واحد انرژی ضرب می‌شود (همان):

$$(EC)_i^t = C_i^t - 2300 \quad (2)$$

$$(EE)_i^t = (EC)_i^t \times E_{ci}^t \quad (3)$$

در روابط بالا $(EC)_i^t$ مازاد کالری دریافتی دهک i ام و $(EE)_i^t$ مخارج اضافی دهک i ام می‌باشد. در آخرین مرحله با کم نمودن مخارج اضافی دهک i ام $(EE)_i^t$ از کل مخارج دهک i ام E_i^t ، خط فقر کلی برای سال t محاسبه می‌شود (همان):

$$PL = E_i^t - (EE)_i^t \quad (4)$$

در مرحله بعد مازاد انرژی دریافتی دهک مربوطه نسبت به کم‌ترین انرژی توصیه شده (۲۳۰۰ کالری) محاسبه می‌شود و عدد بدست آمده در هزینه هر واحد انرژی ضرب می‌شود. در آخرین مرحله با کم کردن مخارج اضافی آن دهک از کل مخارج دهک، خط فقر کلی برای سال مورد نظر محاسبه می‌شود. در نهایت، برای بدست آوردن خط فقر ماهانه، خط فقر سالانه بر ۱۲ تقسیم می‌شود.

بمنظور محاسبه شاخص نسبت افراد فقیر (نرخ فقر)، بعد از محاسبه خط فقر (که در این‌جا خط فقر بر اساس نیاز به کالری محاسبه شد) تعداد افرادی که زیر خط فقر بودند مشخص شده و با تقسیم آن تعداد بر تعداد کل افراد جامعه، نرخ فقر بدست می‌آید.

نتایج

ارقام موجود در جدول ۱ نشان‌دهنده میزان انرژی دریافتی هر فرد در یک دهک به طور روزانه می‌باشد. برای مثال در جدول ۱ در سال ۱۳۸۳ در دهک اول هر فرد به‌طور روزانه ۲۴۴۹ کالری دریافت داشته است و همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در همین دهک بیش از ۲۳۰۰ کالری انرژی دریافت شده است. روند کلی دریافت انرژی در دهک‌ها به طور کلی صعودی است. با نگاهی به جدول ۱ و بر اساس ستون متوسط انرژی دهک‌ها، کم‌ترین مقدار انرژی دریافتی در مناطق روستایی کشور با رقم ۲۹۱۰/۲ کالری به سال ۱۳۹۲ مربوط می‌باشد. بر همین اساس بالاترین رقم انرژی متوسط دریافتی در مناطق روستایی کشور در ۱۷ سال مورد بررسی، ۳۸۲۱ کالری مربوط به سال ۱۳۸۳ می‌باشد.

بهترین وضعیت از نظر دریافت کالری در مناطق روستایی کشور بر مبنای جدول ۱ به سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ مربوط است که در این سال‌ها از همان دهک نخست به بعد خانوارها موفق به دریافت ۲۳۰۰ کالری در روز شده‌اند. به بیان دیگر، در این پنج سال هیچ‌کدام از دهک‌ها زیر خط فقر خوراکی قرار نداشته‌اند.

ارقام موجود در جدول ۲ نشان‌دهنده مخارج کل سالانه خانوارها (شامل مخارج خوراکی و غیرخوراکی) به تفکیک دهک‌های هزینه بر حسب هزار ریال بوده و برگرفته از داده‌های مرکز آمار ایران می‌باشد.

نتایج محاسبات خط فقر در جدول ۳ و شکل ۱ نشان می‌دهد که طی ۱۷ سال مورد بررسی خط فقر در مناطق روستایی کشور از روندی افزایشی برخوردار بوده است به گونه‌ای که در مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۷۶ خط فقر به ازای هر نفر در ماه، مقدار ۷۱/۷۶۶۸۷۷ هزار ریال و در سال ۱۳۹۲ مقدار ۲۴۲۲/۲۲۰۹۱ هزار ریال برآورد شده است، یعنی خط فقر تقریباً ۳۳/۷ برابر شده است.

جدول ۴ شاخص نسبت افراد فقیر (نرخ فقر) نشان می‌دهد. با توجه به اعداد و ارقام در مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۷۶، ۲۷/۷ درصد و در سال ۱۳۹۲، ۴۵/۴ درصد از افراد روستایی زیر خط فقر قرار دارند یعنی تقریباً نیمی از خانوارهای روستایی کشور در سال ۱۳۹۲ زیر خط فقر قرار گرفته‌اند که این رقم بالاست. در مناطق روستایی کشور در دوره ۱۷ ساله مورد نظر نوسان مشاهده می‌شود و کم‌ترین درصد افراد مربوط به خانوارهای مناطق روستایی در سال ۱۳۷۸ می‌باشد و بیش‌ترین درصد در سال ۱۳۹۲ با ۴۵/۴ درصد می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه با استفاده از محاسبه ماتریس عملکرد تغذیه‌ای، خط فقر برای خانوارهای روستایی کشور محاسبه شد. یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که در دوره مورد بررسی خط فقر بر مبنای مفهوم مطلق در مناطق روستایی کشور (به استثنای سال‌های ۷۸، ۸۳، ۸۴) همواره از روندی افزایشی برخوردار بوده است.

این یافته همخوان با یافته‌های مولایی و رحیمی‌راد (۱۳۹۵) می‌باشد که در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۶۸ خط فقر در خانوارهای روستایی ایران دارای میانگین رشد ۲۱/۳ درصد بوده است شاید بتوان علت این مقدار تفاوت را سال‌های مورد بررسی و سیستم محاسبه بیان کرد. همچنین، یافته‌های فطرس و شهبازی (۱۳۹۴) در دوره ۱۳۹۱-۱۳۸۲ و فطرس و شهبازی (۱۳۹۵) در دوره ۱۳۹۳-۱۳۶۳، همخوانی را با یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد به گونه‌ای که مقدار فقر را در ایران بالا و با نوسان‌هایی عنوان می‌کند. در مرور مطالعات انجام شده به صورت استانی ابونوری و مالکی (۱۳۸۷) روند خط فقر در مناطق شهری و روستایی استان سمنان را در دوره (۱۳۸۳-۱۳۶۸) و افقه و قنواتی (۱۳۹۰) روند خط فقر در سال‌های (۱۳۸۵-۱۳۷۶) در مناطق شهری و روستایی استان خوزستان را افزایشی عنوان کردند که با روند کلی مناطق روستایی کشور در این پژوهش همخوان می‌باشد. در پژوهش پیش‌بهار و همکاران (۱۳۹۵) خط فقر در مناطق شهری ایران طی دوره‌ی (۱۳۹۱-۱۳۶۷) را روندی افزایشی عنوان می‌کند که این روند با روند افزایشی در مناطق روستایی همخوان می‌باشد، اما بررسی فقر چندبعدی توسط راغفر و اسفندیارپور (۱۳۹۴) در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۸ برای کل کشور روند کاهشی را نشان داد که این مغایرت به احتمال زیاد، به دلیل متغیرهای لحاظ شده در پژوهش ذکر شده از جمله منابع فیزیکی، طبیعی و اجتماعی می‌باشد.

همچنین، بررسی شاخص نسبت سرشمار یا نرخ فقر که نمایانگر درصد افراد زیر خط فقر است، بیانگر آن است که در نرخ فقر مناطق روستایی کشور در دوره ۱۷ ساله مورد نظر نوسان مشاهده می‌شود و کم‌ترین درصد افراد مربوط به خانوارهای مناطق روستایی در سال ۱۳۷۸ می‌باشد و بیش‌ترین درصد در سال ۱۳۹۲ با ۴۵/۴ درصد می‌باشد. نتایج باقری و همکاران (۱۳۸۳)، درصد پایین‌تری از افراد را در دوره ۱۳۸۲-۱۳۸۰ زیر خط فقر بیان می‌کند و برخلاف نتایج این پژوهش کاهش در مقدار این درصد در دوره مورد بررسی را نشان می‌دهد. در مرور مطالعات خارجی در پژوهش راولیون و چن (۲۰۰۷) نتایج برای صد کشور در دوره (۲۰۰۴-۱۹۸۱) نشان دادند درصد فقرا به صورت معناداری کاهش یافته است در صورتی‌که نتایج این پژوهش روند افزایشی درصد فقرا را نشان می‌دهد. همچنین، گاردس و کنلاس (۲۰۱۰)، کاهش فقر را در اکوادور در سال‌های

(۲۰۰۹-۲۰۰۰) عنوان کرد که بر اساس نتایج این پژوهش در کشور ایران با افزایش آن رویارو بوده‌ایم. فرزاتگان و حبیب‌پور (۲۰۱۷)، کاهش درصد خانوارهای روستایی زیر خط فقر را در سال ۲۰۰۹ نشان داد که این یافته همخوان با کاهش درصد افراد فقیر در سال ۱۳۸۸ در این پژوهش می‌باشد.

در مورد افزایش خط فقر در این دوره زمانی ۱۷ ساله در مناطق روستایی کشور شاید بتوان افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را به عنوان یکی از دلایل برشمرد، ولی شناخت دقیق‌تر آن نیازمند مطالعاتی گسترده‌تر است و از آن‌جا که هدف از انجام این پژوهش صرفاً اندازه‌گیری خط فقر بوده از ریشه‌یابی این مقوله در اینجا خودداری می‌شود. آگاهی از علل افزایش خط فقر می‌تواند موضوع مطالعات دیگری باشد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- در مورد زدودن فقر غذایی، رفتار مصرف‌کننده بسیار دارای اهمیت است. بنابراین، ترویج و گسترش الگوهای تغذیه‌ای مناسب در خانوارهای روستایی از راه ایجاد مراکزی رای آموزش صحیح تغذیه‌ای باید مد نظر قرار گیرد. همچنین، امکانات دسترسی فیزیکی آسان به مواد غذایی فراهم شود.

۲- شاید بتوان مهم‌ترین علت افزایش حداقل خط فقر در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۷۶ را ناشی از تورم مواد غذایی دانست. لذا ضروری است تمهیداتی در راستای مهار تورم انجام گیرد.

۳- با توجه به کمبود انرژی دریافتی دهک‌های پایین درآمدی نسبت به انرژی استاندارد، بنابراین برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و غیراقتصادی دولت از جمله تولید، توزیع و واردات مواد غذایی باید به گونه‌ای باشد که اقشار کم‌درآمد نیز انرژی استاندارد مورد نیاز خود را دریافت کنند.

۴- بمنظور کاهش فقر در مناطق روستایی در بلندمدت، گسترش اشتغال، حمایت از محصولات کشاورزی و قیمت تضمین شده برای آن‌ها، تأسیس مراکز درمانی و بهداشتی، پوشش تأمین اجتماعی در روستاهای کشور و ... می‌تواند مؤثر باشد.

منابع

- ابونوری، ا.، و مالکی، ن. (۱۳۸۷). خط فقر در استان سمنان طی برنامه‌های توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸). رفاه اجتماعی، ۷(۲۸)، صص ۲۳۷-۲۱۵.

- افتخاری، ف، کرمی، ا، و نوری‌پور، م. (۱۳۹۱). بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد. اقتصاد کشاورزی، ۶(۱)، صص ۲۰۴-۱۷۹.
- افقه، م، و قنواتی‌فر، ط. (۱۳۹۰). تخمین خط فقر در استان خوزستان. اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، ۱۱(۱)، صص ۲۱-۱.
- باقری، ف، حیدری، خ، و پیمان، ح. (۱۳۸۳). محاسبه خط فقر در ایران طی سال‌های ۸۲-۱۳۸۰. گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، پژوهشکده آمار، صص ۱۸-۱.
- پیرایی، خ، و شهسواری، م. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس. پژوهشنامه اقتصادی، ۹(۳۴)، صص ۲۶۵-۲۳۳.
- پیش‌بهار، ا، علی‌محمدی، ز، و حسین‌زاده، ج. (۱۳۹۵). بررسی خط فقر غذایی خانوارهای شهری در ایران. اقتصاد کشاورزی، ۱۰(۱)، صص ۷۳-۵۷.
- توکلی‌تبار، ز، احمدوند، م، شریف‌زاده، م. (۱۳۹۳). واکاوی فقر غذایی زنان روستایی در روستاهای بخش مرکزی شهرستان بویراحمد. اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۳۸(۲)، صص ۱۱۷-۱۰۷.
- حسینی‌نژاد، س. م، و اقتصادیان، م. ر. (۱۳۸۴). ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه در مورد کاهش فقر با استفاده از روش سلطه تصادفی. فصلنامه سیاست‌ها و پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳(۳۶)، صص ۶۱-۳۳.
- خدادادکاشی، ف، حیدری، خ، و باقری، ف. (۱۳۸۴). برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۶۳. رفاه اجتماعی، ۴(۱۷)، صص ۱۶۳-۱۳۷.
- خدادادکاشی، ف، و سلیمان‌نژاد، ع. ا. (۱۳۹۱). برآورد خط فقر و بررسی تغییرات آن در مناطق روستایی استان اصفهان. پژوهش‌های جغرافیا، ۲۷(۲)، صص ۱۱۴-۹۱.
- راغفر، ح، و ابراهیمی، ز. (۱۳۸۶). فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۸. رفاه اجتماعی، ۶(۲۴)، صص ۸۲-۵۵.
- راغفر، ح، و اسفندیاری‌پور، م. (۱۳۹۴). اندازه‌گیری فقر چندبعدی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۸ (با استفاده از روش آلفایر فوستر). راهبرد اقتصادی، ۴(۱۳)، صص ۲۳۳-۲۰۱.
- راغفر، حسین. (۱۳۹۴). خط فقر ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان شد. مطبوعات، یکشنبه ۱۷ خردادماه ۱۳۹۴.
- صفرخانلو، ا، و محمدی‌نژاد، ا. (۱۳۹۰). بررسی اثر ضایعات نان بر خط فقر و شاخص امنیت غذایی خانوارهای شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۸۰-۸۶. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۹(۷۵)، صص ۲۵-۱.

- فطرس، م. ح.، و شهبازی، ف. (۱۳۹۴). بررسی وضعیت فقر و نابرابری در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های پیش و پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی (۱۳۹۱-۱۳۸۱). سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۳(۹)، صص ۳۶-۷.
- فطرس، م. ح.، و شهبازی، ف. (۱۳۹۵). بررسی روند فقر و نابرابری در مناطق روستایی ایران دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۶۳. پژوهش‌ات اقتصاد کشاورزی، ۸(۳۰)، صص ۱۵۵-۱۳۳.
- مولایی، م.، و رحیمی‌راد، ز. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت فقر در خانوارهای روستایی ایران طی پنج برنامه توسعه اقتصادی ایران: ۱۳۹۲-۱۳۶۸. راهبردهای توسعه روستایی، ۳(۲)، صص ۲۳۵-۲۱۵.
- میرزایی، ح.، و سهرابی، ر. (۱۳۹۴). تعیین خط فقر خانوارهای شهری استان آذربایجان شرقی با استفاده از سیستم مخارج خطی. اقتصاد و مدیریت شهری، ۴(۱۳)، صص ۸۴-۶۷.
- نصرت‌آبادی، م.، عبدالهی، ا.، راغفر، ح.، و صالحی، م. (۱۳۹۰). وضعیت فقر در استان کرمان: ۱۳۸۵-۱۳۸۶. رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۲)، صص ۳۳۶-۳۱۵.
- نگهداری، ا.، پیرایی، خ.، کشاورزحداد، غ.، و حقیقت، ع. (۱۳۹۳). برآورد خط فقر مطلق و نسبی بر اساس رویکرد صرفه ناشی از مقیاس با مدل استون‌گیری (مطالعه موردی خانوارهای شهری ایران، دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵). برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۹(۱)، صص ۲۹-۳.

References

- Declich, C., & Polin, V. (2003). Absolute poverty and the cost of living: An experimental analysis for Italian households. Munich Personal RePEc Archive, MPRA_paper.
- Farzanegan, M. R., & Habibpour, M. M. (2017). Resource rents distribution, income inequality and poverty in Iran. Elsevier, 66(2017): 35-42.
- Gardes, F., & Canelas, C. (2010). Poverty, Inequality, and Income Mobility: The Case of Ecuador. A Pseudo-Panel Approach. Master Models and Methods for Quantitative Economics. Paris: School of Economics.
- Ravallion, M. (2012). Poverty lines across the world, Oxford Handbook of the Economics of Poverty. Access 12 OCT 2012, from: http://works.bepress.com/martin_ravallion/20.
- Ravallion, M., & Chen, SH. (2007). Absolute Poverty Measures for the Developing World (1981-2004). World Bank Policy Research Working Paper 4211.
- Rodriguez-Pose, A. & Hardy, D. (2015). Addressing poverty and inequality in the rural economy from a global perspective, Elsevier, 61: 11-23.
- United Nations. (2009). Poverty and the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, UN Committee on Economic, Social and Cultural Right, New York: United Nations.

پیوست‌ها

جدول ۱- برآورد انرژی دریافتی مناطق روستایی کشور بر حسب کالری (سرانه، روزانه).

سال	متوسط	دهک ۱	دهک ۲	دهک ۳	دهک ۴	دهک ۵	دهک ۶	دهک ۷	دهک ۸	دهک ۹	دهک ۱۰
۱۳۷۶	۳۳۶۳/۴	۲۰۹۲/۴	۲۲۵۶	۲۲۷۷/۳	۲۴۹۳/۲	۲۶۹۴/۷	۲۸۵۹/۹	۳۲۱۰/۱	۳۵۴۱/۴	۴۱۵۶/۶	۵۷۲۸/۵
۱۳۷۷	۳۳۵۷/۳	۱۹۶۳/۳	۱۸۲۷/۴	۱۸۹۹/۹	۲۰۹۷/۵	۲۷۴۳/۵	۲۷۰۷/۹	۲۶۴۳/۶	۳۰۳۴/۳	۳۴۲۳/۳	۵۱۱۶/۹
۱۳۷۸	۳۴۸۶/۵	۳۰۵۹/۵	۲۷۹۸/۹	۳۰۶۴/۶	۳۳۴۱/۵	۳۷۸۶/۹	۴۰۸۷/۹	۴۳۵۰/۸	۵۰۴۴	۵۱۵۳/۴	۶۹۶۹/۴
۱۳۷۹	۳۳۲۱/۲	۲۵۱۷/۸	۲۷۵۳/۵	۲۷۸۹/۲	۲۹۹۶/۹	۳۲۹۳/۶	۳۴۹۵/۳	۳۹۴۹/۳	۳۹۸۵/۶	۴۶۱۸/۱	۶۷۵۸/۷
۱۳۸۰	۳۵۸۵/۳	۲۶۳۷/۷	۲۶۴۷/۲	۲۶۸۱/۷	۲۸۸۷/۹	۳۲۳۰/۲	۳۶۶۱	۳۷۰۰/۶	۴۱۵۰/۸	۴۹۱۴/۱	۷۲۰۵/۶
۱۳۸۱	۳۳۵۱	۲۲۵۹/۵	۲۲۷۴/۳	۲۴۳۱/۵	۲۶۶۳/۲	۲۹۹۳/۸	۳۱۸۹/۳	۳۲۳۱/۴	۳۵۲۷/۸	۳۸۳۰/۱	۴۹۱۶/۲
۱۳۸۲	۳۴۱۵/۴	۱۸۳۰/۸	۲۰۲۰/۱	۲۲۱۷/۸	۲۵۴۸/۲	۲۷۰۷/۵	۲۸۹۵/۸	۲۹۷۹/۸	۳۴۲۵/۵	۳۶۵۱/۸	۴۴۲۹/۶
۱۳۸۳	۳۲۸۱	۲۴۴۹	۲۵۵۱	۲۴۸۵	۲۸۸۲	۳۱۱۰	۳۲۳۱	۳۴۷۰	۳۸۵۲	۴۲۱۶	۵۰۱۹
۱۳۸۴	۳۶۵۵	۳۰۴۰	۳۱۶۲	۳۰۷۱	۳۲۸۱	۳۴۲۶	۳۸۲۲	۴۰۳۸	۴۴۱۲	۴۷۲۰	۵۴۶۷
۱۳۸۵	۳۳۵۲	۱۸۴۶	۱۸۲۴	۱۹۶۶	۲۱۸۸	۲۴۲۴	۲۵۹۶	۲۷۷۲	۳۱۹۷	۳۴۱۷	۴۲۲۲
۱۳۸۶	۳۳۸۱	۱۶۱۰	۱۵۸۰	۱۷۵۴	۲۰۷۲	۲۲۵۲	۲۴۳۷	۲۵۳۷	۲۸۸۲	۳۲۶۰	۳۹۸۰
۱۳۸۷	۳۲۹۹	۱۵۴۶	۱۶۴۸	۱۸۹۸	۲۲۲۴	۲۴۲۵	۲۶۱۶	۲۷۴۲	۳۰۷۴	۳۲۹۱	۴۰۴۱
۱۳۸۸	۳۲۱۷	۱۴۸۲	۱۷۱۷	۲۰۴۲	۲۳۷۵	۲۵۹۸	۲۷۹۵	۲۹۴۸	۳۲۶۶	۳۵۲۲	۴۱۰۲
۱۳۸۹	۳۱۴۴/۸	۱۴۱۹	۱۷۸۵/۵	۲۱۸۶/۲	۲۵۲۶/۴	۲۷۷۱/۹	۲۹۷۳/۸	۳۱۵۴/۱	۳۴۵۹/۲	۳۶۵۳/۹	۴۱۶۳/۴
۱۳۹۰	۳۰۵۳/۵	۱۳۵۵/۳	۱۸۵۳/۸	۲۲۲۹/۹	۲۶۷۷/۲	۲۹۴۵/۲	۳۱۵۲/۴	۳۳۵۹/۷	۳۶۵۱/۵	۳۷۸۵/۱	۴۲۲۴/۲
۱۳۹۱	۳۰۵۸	۱۴۲۵/۵	۱۵۳۱/۹	۱۹۵۲/۹	۲۲۶۸/۷	۲۵۴۷/۲	۲۶۹۳/۸	۲۸۷۷/۷	۳۱۴۲/۶	۳۲۱۳/۷	۳۹۲۱
۱۳۹۲	۲۹۱۰/۲	۱۲۲۴/۱	۱۱۵۷/۹	۱۵۵۴/۹	۱۹۹۴/۳	۲۱۵۹/۱	۲۳۱۷/۷	۲۵۲۹/۳	۲۷۶۷/۳	۲۹۸۶/۶	۳۴۴۱/۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۲- مخارج کل سرانه خانوارهای روستایی کشور به تفکیک دهک‌های هزینه (هزار ریال).

سال	دهک ۱	دهک ۲	دهک ۳	دهک ۴	دهک ۵
۱۳۷۶	۴۹۱/۰۴	۶۴۶/۴۴	۷۶۸/۰۱	۹۳۳/۶۰	۱۰۸۷/۸۸
۱۳۷۷	۵۷۴/۵۶	۷۵۸/۷۶	۹۳۷/۴۱	۱۱۱۸/۲۱	۱۳۰۲/۰۹
۱۳۷۸	۷۵۵/۰۰	۹۷۸/۹۴	۱۲۱۸/۹۴	۱۴۶۷/۹۸	۱۷۰۴/۷۲
۱۳۷۹	۹۰۹/۷۹	۱۱۷۶/۰۵	۱۳۹۷/۰۱۸	۱۷۲۹/۲۰	۲۰۰۵/۸۵
۱۳۸۰	۱۱۲۷/۱۷	۱۳۸۱/۲۴	۱۶۴۰/۳۱	۱۹۵۱/۰۸	۲۳۴۶/۲۰
۱۳۸۱	۱۵۰۰/۱۳	۱۸۰۳/۰۴۸	۲۱۷۳/۲۷	۲۵۲۹/۸۱	۳۰۱۹/۵۳
۱۳۸۲	۱۷۷۰/۵۲	۲۲۹۳/۹۴۴	۲۸۱۰/۳۱	۳۳۳۰/۸۳	۳۸۳۳/۴۶
۱۳۸۳	۲۴۰۱/۹۳	۳۰۰۱/۲۵	۳۵۵۲/۵۱	۴۰۹۳/۹۱	۴۷۴۱/۳۹
۱۳۸۴	۲۷۳۱/۹۸	۳۴۴۷/۷۱	۳۹۲۳/۸۵	۴۶۷۹/۲۱	۵۴۱۵/۷۷
۱۳۸۵	۳۰۲۳/۵۴	۳۸۱۷/۲۳	۴۳۷۴/۴۵	۵۱۰۱/۷۱	۵۸۷۶/۳۳
۱۳۸۶	۳۴۸۶/۱۴	۴۵۲۹/۱۱	۵۴۳۱/۵۲	۶۳۰۵/۳۸	۷۱۳۶/۹۴
۱۳۸۷	۴۰۰۵/۷۵	۵۵۴۵/۱۴	۶۷۱۶/۳۲	۷۷۹۳/۶۶	۸۷۹۴/۷۵
۱۳۸۸	۴۲۳۵/۶۴	۵۹۳۰/۳۷	۶۹۴۱/۸۶	۸۴۴۳/۱۵	۹۹۵۹/۷۷
۱۳۸۹	۵۳۰۳/۶۶۷	۷۳۱۳/۴۳	۸۵۵۵/۶۱	۱۰۲۲۴/۶۴۹	۱۱۴۷۶/۳۸۶
۱۳۹۰	۸۳۵۸/۹۸۹	۱۰۵۹۸/۲۳۶	۱۲۰۹۸/۳۵	۱۳۷۱۰/۱۴۹	۱۵۵۹۲/۲۹۵
۱۳۹۱	۱۲۴۹۸/۹۲۹	۱۴۱۳۵/۸۷	۱۶۳۶۹/۹۱۸	۱۸۰۱۳/۰۲۳	۲۰۵۹۳/۸۹۳
۱۳۹۲	۱۵۴۷۵/۱۲۴	۱۷۹۲۲/۶۳	۲۰۵۷۸/۸۴۸	۲۳۸۱۴/۹۶۵	۲۶۴۹۷/۰۸۶

ادامه جدول ۲- مخارج کل سرانه خانوارهای روستایی کشور به تفکیک دهک‌های هزینه
(هزار ریال).

سال	دهک ۶	دهک ۷	دهک ۸	دهک ۹	دهک ۱۰	میانگین
۱۳۷۶	۱۲۵۷/۷۰۳	۱۴۵۳/۹۳۰	۱۷۴۱/۰۴۱	۲۱۶۶/۹۰۱	۳۸۴۹/۳۹۲	۱۵۹۷/۰۲۳
۱۳۷۷	۱۵۷۹/۳۳۵	۱۸۱۲/۲۱۸	۲۱۹۴/۳۴۴	۲۸۲۰/۶۶۵	۵۲۰۴/۶۸۹	۲۰۳۵/۱۸
۱۳۷۸	۲۰۰۳/۱۸۶	۲۳۴۰/۵۸۰	۲۸۹۱/۱۸۹	۳۵۲۷/۱۶۴	۶۴۴۴/۳۹۹	۲۵۹۹/۴۷۷
۱۳۷۹	۲۳۱۰/۵۰۶	۲۷۹۷/۸۹۸	۳۲۸۶/۸۲۶	۴۱۱۳/۲۷۲	۷۵۰۷/۱۱۰	۳۰۲۵/۳۹۹
۱۳۸۰	۲۷۰۵/۱۹۲	۳۱۲۵/۳۰۸	۳۷۵۰/۲۰۷	۴۷۶۰/۹۰۲	۸۲۷۸/۰۹۷	۳۳۸۶/۴۳۶
۱۳۸۱	۳۴۲۷/۶۳۵	۳۹۳۰/۹۶۹	۴۷۲۱/۵۷۹	۵۹۶۲/۷۰۸	۱۰۴۵۶/۲۸۸	۴۲۹۹/۲
۱۳۸۲	۴۴۱۳/۴۷۸	۴۸۴۲/۰۷۸	۳۷۰۱/۶۲۱	۷۲۵۸/۸۹۷	۱۲۲۹۶/۰۵۷	۵۲۱۳/۳۵۴
۱۳۸۳	۵۴۲۹/۸۹۹	۶۳۲۴/۹۶۴	۰۹۸۷۴/۰۳	۹۲۶۸/۷۲۰	۱۷۵۳۰/۷۶۸	۷۰۶۴/۵۶۶
۱۳۸۴	۶۳۵۵/۷۷۸	۷۲۰۷/۰۴۷	۸۷۰۱/۸۳۶	۱۱۱۸۹/۰۶۱	۲۰۱۰۶/۳۳۰	۸۱۴۴/۶۵۶
۱۳۸۵	۶۸۴۵/۸۲۱	۸۱۱۴/۵۲۰	۹۸۵۳/۶۳۸	۱۲۴۹۴/۳۵۷	۲۳۵۶۶/۲۲۲	۹۲۴۶/۴۹۸
۱۳۸۶	۸۲۴۵/۸۸۴	۹۶۰۱/۳۱۱	۱۱۳۰۳/۳۳۲	۱۴۶۹۸/۱۸۱	۲۶۵۴۶/۲۷۶	۱۱۱۳۷/۸۷۲
۱۳۸۷	۱۰۲۱۱/۵۰۷	۱۱۹۳۷/۱۹۰	۱۴۱۹۹/۱۳۹	۱۷۵۲۴/۳۳۶	۳۰۷۷۲/۲۴۴	۱۲۹۲۷/۵۵۷
۱۳۸۸	۱۱۳۶۳/۶۲۵	۱۳۳۰۰/۷۸۲	۱۶۰۱۴/۵۷۰	۱۹۹۷۱/۱۳۹	۳۴۱۲۸/۴۴۸	۱۴۲۷۴/۶۳۱
۱۳۸۹	۱۳۵۱۹/۱۹۱	۱۵۵۶۲/۵۸۱	۱۹۰۵۵/۹۳۱	۲۳۷۸۷/۷۸۴	۴۱۲۴۸/۱۵۶	۱۷۰۶۴/۲۶۵
۱۳۹۰	۱۷۶۳۹/۱۶۲	۲۰۰۴۴/۳۲۷	۲۲۸۷۱/۳۵۸	۲۸۱۸۲/۹۶۷	۴۴۹۱۶/۰۰۶	۲۱۰۸۹/۶۰۳
۱۳۹۱	۲۲۹۹۰/۱۱۷	۲۵۸۵۷/۲۰۷	۳۰۵۶۶/۱۲۳	۳۷۳۸۰/۰۰۸	۵۹۷۷۱/۰۸۸	۲۸۰۸۷/۷۰۲
۱۳۹۲	۲۹۲۹۱/۰۵	۳۴۶۱۱/۷۷۷	۳۷۳۵۱/۴۸۳	۴۵۵۵۲/۶۹۹	۷۲۶۱۰/۴۸۳	۳۴۸۴۳/۰۶۸

مأخذ: مرکز آمار ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳- خط فقر مناطق روستایی کشور (سرانه، ماهیانه، هزار ریال).

سال	خط فقر (سرانه، ماهیانه، هزار ریال)
۱۳۷۶	۷۱/۷۷
۱۳۷۷	۹۰/۹۷
۱۳۷۸	۴۷/۲۹
۱۳۷۹	۶۹/۲۶
۱۳۸۰	۸۱/۸۸
۱۳۸۱	۱۷۱/۳۱
۱۳۸۲	۲۵۰/۵۳
۱۳۸۳	۱۸۷/۹۷
۱۳۸۴	۱۷۲/۲۳
۱۳۸۵	۴۶۴/۴۸
۱۳۸۶	۶۴۸/۲۷
۱۳۸۷	۶۹۴/۹۶
۱۳۸۸	۶۸۱/۲۰
۱۳۸۹	۷۷۵/۶۸
۱۳۹۰	۹۹۵/۲۰
۱۳۹۱	۱۵۴۹/۵۸
۱۳۹۲	۲۴۲۲/۲۲

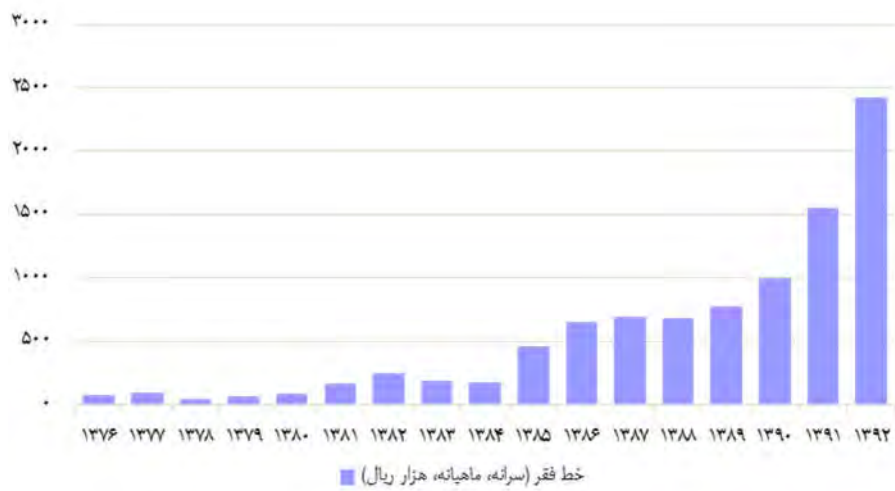
مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۴- شاخص نسبت افراد فقیر (نرخ فقر) (بر حسب درصد).

سال	درصد افراد فقیر
۱۳۷۶	۲۷/۷
۱۳۷۷	۳۰/۱
۱۳۷۸	۳/۹
۱۳۷۹	۶/۷
۱۳۸۰	۶/۷
۱۳۸۱	۲۰/۵
۱۳۸۲	۲۶/۶
۱۳۸۳	۷/۷
۱۳۸۴	۴/۲
۱۳۸۵	۳۵/۳
۱۳۸۶	۴۴
۱۳۸۷	۳۷/۷
۱۳۸۸	۳۰/۷
۱۳۸۹	۲۷/۹
۱۳۹۰	۲۲/۱
۱۳۹۱	۳۲/۸
۱۳۹۲	۳۵/۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



شکل ۱ - روند خط فقر مناطق روستایی ایران در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲.

